

بازسازی مفاهیم سیاسی بر مبنای قرآن

مروری بر مقاله فرد دائر

زینب ایزدی

درآمد

فرد مک‌گرا دائر (متولد ۱۹۴۵) اسلام‌پژوه و استاد تاریخ خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو است و پیش‌تر رئیس انجمن مطالعات خاورمیانه آمریکای شمالی بوده است. او ابتدا در مطالعات شرقی و زبان عربی لیسانس گرفت، بعد از آن به مدت یک سال فلسفه شرقی خواند و در ۱۹۷۵ دکتری خود را در مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرینستون گرفت. حیطه تخصصی او مسائل مرتبط با صدر اسلام است. دائر در مقاله «قرآنی‌سازی گفتار مذهبی سیاسی در دوره بنی‌امیه» (۲۰۱۱) مفهوم «قرآنی‌سازی» (Qur'anicization) را مطرح می‌کند و مصادیق آن را در رخدادهای قرن اول و دوم اسلام می‌جوید. از دیدگاه او، شواهد سندی و ادبی حاکی از این است که در طول دوره بنی‌امیه نهادها و روال‌های محوری در اداره حکومت با استفاده از اصطلاحات قرآنی دوباره نام‌گذاری شده‌اند. هدف این فرآیند مشروعیت‌بخشی به حکومت و دولت بنی‌امیه از طریق مرتبط ساختن آن‌ها با وحی الهی و شخص پیامبر اسلام بود. به علاوه، این روند به تعریف اسلام به عنوان سنتی که محور آن پیامبر و قرآن است کمک کرد. این نوشتار به معرفی، شرح و بسط این مجموعه اصطلاحات در مقاله دائر می‌پردازد.

در ابتدای مقاله، دائر در مقدمه‌ای نسبتاً طولانی اهمیت تاریخی تحول نخستین اصطلاحات اسلامی-سیاسی را توضیح می‌دهد و آن را انعکاس‌تغییری بنیادین در شیوه اندیشیدن امت نخستین درباره خودشان معرفی می‌کند. او این روند را نشانگر «اسلامی کردن حکومت» می‌داند که دلالت‌های معنایی تأثیرگذاری به همراه دارد، هم برای درک ما از تاریخ صدر اسلام و هم برای نحوه تفسیر اندیشمندان مدرن (مسلمان و غیرمسلمان) از محتوای سیاسی سنت اسلامی. دائر سپس بیان می‌کند: «محمد نه یک دین جدید یا اقرار دینی تازه، بلکه یک نهضت احیاء توحیدی را آغاز کرد. مطابق با این دیدگاه، اعضای امت محمد و نهضتی که او آغاز کرد، شامل تمام اقسام موحدان پرهیزکار بود و حضور در این امت، برای همه آنان امکان‌پذیر بود. این امت نه تنها پذیرای پیروان محمد و آموزه‌های قرآن بود، بلکه موحدان راستین دیگر مانند یهودیان و مسیحیان را هم در بر می‌گرفت که در باور به ضرورت زندگی تحت فرمانبری دقیق از شریعت خدا شریک بودند». او این نهضت احیاء توحیدی را نهضت مؤمنان می‌نامد، چرا که به نظر می‌رسد طرفداران آن به خودشان به‌عنوان مؤمنان اشاره

کرده‌اند. داور برای اثبات این ادعا به نحوه کاربرد کلمه مؤمن و دیگر کلمات مرتبط با آن در قرآن اشاره می‌کند که تقریباً هزار بار در آن به کار رفته‌اند.

داور معتقد است با گذشت حدود یک قرن از وفات پیامبر، آن مفهوم گسترده‌ترِ جامعی که پیامبر بنا نهاده بود با مفهومی محدودتر جایگزین شد. در مفهوم جدید، مؤمن تنها به کسی اطلاق می‌شد که از آموزه‌های فقهی قرآن پیروی می‌کرد. این جایگزینی به همراه دگرگون شدن برخی اصطلاحات قرآنی بود. اصطلاحاتی چون «اسلام» و «مسلم» ارتقا یافتند و تبدیل به معیار اصلی پذیرش و پیروی از دین جدید شدند. داور این دگرگونی را قسمتی از فرآیندی گسترده‌تر می‌داند که طی آن اسلام به خارج از چارچوب نهضت اولیه مؤمنان برده می‌شد. از مشخصه‌های این فرآیند تأکید بیشتر روی مقام پیامبری محمد و نیز تأکید بر وحی‌انیت و جامعیت قرآن بود. ظاهراً بخشی از این فرآیند نقشه فرمانروایان اموی و اطرافیان‌شان بود که با استفاده از وحی الهی نهادهای رسمی دولت را با هدف مشروعیت بخشی به حکومت خود دوباره نام‌گذاری می‌کردند و این همان سیاستی بود که می‌توانیم آن را «قرآنی‌سازی» بنامیم. داور در ادامه مقاله برای نشان دادن بهتر مفهوم قرآنی‌سازی تعدادی از واژگان کلیدی و برخی از این مفاهیم را اجمالاً بررسی می‌کند.

از دیدگاه داور، روشن‌ترین و آسان‌فهم‌ترین نمونه قرآنی‌سازی - و یکی از مهم‌ترین آن‌ها - اصطلاحات مربوط به شخص حاکم است. او می‌گوید سرپرست مؤمنان از ابتدا «امیرالمؤمنین» خوانده می‌شد و منابع کاملاً مستند از قرن اول هجری نیز این موضوع را تأیید می‌کنند اما اواخر همین قرن، عبدالملک مروان این واژه را با «خلیفه» جایگزین کرد و برای اولین بار سکه‌ها با استفاده از واژه خلیفه ضرب شدند. داور معتقد است دلیل این کار وجود واژه خلیفه در قرآن و نبود واژه امیر در آن است. این واژه، که دفعات اندکی در قرآن به کار رفته، بیانگر ارتباطی خاص با قدرت الهی است. از نظر داور، این کار مثالی روشن از قرآنی‌سازی و تلاش فرمانروا برای ایجاد ارتباط بین رأس حکومت، یعنی امیرالمؤمنین، با قرآن است.

مفهوم دیگری که داور به آن توجه می‌کند مرزبندی میان «مسلم» و «مؤمن» و هویت‌سازی از این طریق است. داور معتقد است واژه مؤمن به مسلم تغییری بنیادی یافت. چنان‌که در مقدمه گذشت، داور به تغییر و محدودسازی واژه امت اشاره می‌کند که در نتیجه آن امت فقط به کسانی اطلاق می‌شد که در قرآن مؤمن خوانده شده‌اند. در بررسی تغییر مؤمن به مسلم، دشواری‌هایی وجود دارد: هر دو واژه در قرآن وجود دارند و به ندرت در متون مستند اولیه استفاده شده‌اند. بنابراین مهم است بدانیم که این اصطلاحات در همان موارد اندک چگونه معنا شده‌اند؛ همچنین از قرن دوم به بعد اخبار فراوانی ساخته شدند که در آنها تلاش می‌شد معنای مؤمن و مسلم یکسان نشان داده شود (هر چند این دو در متن قرآن معنای متفاوتی دارند).

درباره واژه «جهاد»، داور معتقد است که این واژه در اصل به معنای تلاش و کوشش یا جهد کردن و به خود زحمت دادن است. معنای جهاد شامل طیف متنوعی از معانی است، از درگیری‌های درونی یک شخص علیه خواسته‌های غیراخلاقی تا نزاع و جنگ خشونت‌آمیز علیه کافران که به مؤمنان حمله می‌کنند. جهاد کلمه‌ای مهم در نوشته‌های فقهی قرن دوم و بعد از آن است خصوصاً در معنای «جنگ مقدس» علیه غیرمسلمان‌ها، یعنی دشمنان خارجی حکومت اسلامی. این مفهوم با معنای قرآنی آن متفاوت است. بنابراین، از دیدگاه داور، باز هم با نمونه‌ای دیگر از قرآنی‌سازی روبرویم و واژه‌ای که در قرآن برای فرد مؤمن به کار رفته است به حکومت تعمیم داده می‌شود، هرچند که واژه حکومت در قرآن نیامده است.



سپس داور به دستگاه قضا می‌پردازد و اشاره می‌کند که حکومت اسلامی نیز مانند هر دولتی به دستگاه قضا نیاز دارد و ضرورت وجود چنین نهادی روشن است. اما در قرن دوم برای نامیدن کسی که اختلافات را داوری می‌کند، اصطلاح جدید قاضی به وجود می‌آید. این واژه فقط یک بار در قرآن آمده اما فعل «قَضَى» بسیار استفاده شده است. واژه قاضی در هیچ منبع قرن اول هجری نیامده و در قرآن، به طور کلی، در معنای کسی است که درباره امری مهم تصمیم‌گیری می‌کند. بنابراین، از طریق قرآنی‌سازی به مسند قضا مشروعیت بخشیده شده است.

درباره تقویم اسلامی نیز داور استفاده از واژه «هجرت» را نمونه‌ای خلاقانه از قرآنی‌سازی برای مشروعیت‌بخشی به تاریخ‌گذاری می‌داند. او می‌گوید دو حقیقت برجسته برای مورخان در این زمینه وجود دارد: اول اینکه در سال‌های اخیر، جمعی از محققان بر سر اینکه ظهور اسلام نتیجه چند پیشامد تصادفی بوده است بحث کرده‌اند. اما وجود این نظام تاریخ‌گذاری بی‌نظیر یقیناً این ادعا را تأیید می‌کند که گسترش امت محمد حاصل حرکتی هماهنگ بوده است. دومین حقیقت این است که بسیاری از تاریخ‌گذاری‌های اولیه فقط سال را برشمرده و نام دوره تاریخی را ذکر نکرده‌اند؛ یعنی هیچ کدام از اسنادهای اولیه از واژه هجرت برای تعیین دوره تاریخی استفاده نکرده‌اند. اما در مواردی اندک، برای اشاره به دوره زمانی، عبارتی همچون «سال ۴۲ از دوره قدرت و قانونگذاری مؤمنان» (من قَضَاءِ الْمُؤْمِنِينَ) را به کار گرفته‌اند. واژه هجرت تا قرن سوم چنین کاربردی نداشته و در امت اولیه به معنای خدمت نظامی بوده است. بنابراین، نمونه‌ای دیگر از قرآنی‌سازی را از طریق تلاش برای نام‌گذاری نظام تاریخ‌گذاری به وسیله ارتباط با پیامبر، یعنی هجرت، مشاهده می‌کنیم.

یکی دیگر از اصطلاحاتی که از دید داور در فرآیند قرآنی‌سازی شکل گرفته، «فتح» و گسترش امت است. او می‌گوید استفاده از اصطلاح فتح در سنت کلاسیک اسلامی در قرن دوم، سوم و بعد از آن برای اشاره به توسعه و گسترش امت به کار می‌رفت. این واژه در عربی به معنای گشودن است و نه پیروزی و تصرف. در قرآن نیز عبارت «فَتَحَ عَلَيَّ...» زمانی استفاده می‌شود که خداوند لطف و محبت فراوانی را بر کسی ارزانی می‌دارد؛ البته مشخص نیست که به جای فتح، چه واژه‌ای در زمان خود رخدادها مصطلح بوده است. استفاده از «فتح» برای موقعیت‌های ویژه‌ای همچون غلبه بر دشمن یا تصرف یک شهر جدید بازتابی از دیدگاهی عقیدتی است دایر بر اینکه این رخدادها حاصل لطف و رحمت الهی برای امت مؤمنان است.

داور در رابطه با جنگ‌های داخلی این‌گونه توضیح می‌دهد: «با توجه به اینکه سنت اسلامی برای اشاره به فرآیند گسترش امت نخستین، کلماتی قرآنی را انتخاب می‌کرد، برای توصیف نزاع‌های خشونت‌آمیز بر سر رهبری حکومت، که بین نخبگان حاکم شکل گرفت، نیز به قرآن روی می‌آورد؛ خصوصاً در جنگ‌های داخلی اول و دوم (یعنی مرگ عثمان و حسین بن علی)». در این مورد واژه «فتنه» انتخاب شد، که به طور کلی در قرآن و در عربی به معنای آزمایش، اغوا و فریب است اما با توجه به اینکه صحابه مظهر فضیلت و تقوا بودند، معنای جدید فتنه هنگام درگیری آن‌ها بر سر قدرت به کار رفت تا نشان دهد که صحابه پیامبر به آزمایش دچار شدند و جنگ آن‌ها با یکدیگر کم‌اهمیت است. البته باز هم واژه استفاده‌شده به جای فتنه در زمان خود رخدادها مشخص نیست.

آخرین واژه‌ای که داور بررسی می‌کند «رباط» است. رباط نهادی است که در دوره اولیه اسلامی گسترش یافته است. این واژه به معنای متعددی از جمله قلعه نظامی، برج نگهبانی، کاروانسرا و حتی خانقاه اطلاق می‌شود و محققان بر سر

تعیین ویژگی اصلی رباط اختلاف نظر دارند. واژه رباط یک بار به شکل اسم و دو بار به شکل فعل در قرآن آمده است. به نظر می‌رسد هر سه مورد در بافتی به کار رفته‌اند که مؤمنان برای جنگ در راه خدا آماده می‌شوند. احتمالاً اینجا با نمونه‌ای دیگر از قرآنی‌سازی سروکار داریم که در آن واژه قرآنی رباط درباره نهادها و اعمال متعدد و متنوعی به کار می‌رود، صرفاً برای اینکه به آن‌ها جایگاه ویژه‌ای بدهد که مختص چیزی است که با تلاش در راه ایمان، نه لزوماً در بافت نظامی، مرتبط است. بنابراین، دلیلی ندارد که بگوییم همه تشکیلات و بناهای تحت عنوان رباط شکل و کارکردی یکسان دارند، بلکه می‌توان فرض کرد این نهادها قبل از آنکه رباط خوانده شوند، بر اساس کارکرد اصلی‌شان به نامهای دیگری خوانده می‌شده‌اند.

دائر در جمع‌بندی می‌گوید پیروان قرآن در حدود سال ۷۰۰ میلادی و بعد از آن حکم کردند که فقط خودشان مؤمنان حقیقی‌اند. در نتیجه شروع به نام‌گذاری دوباره نهادهای جامعه و حکومت کردند تا آن‌ها را با قرآن و پیامبر اسلام پیوند دهند و از این طریق به دولت‌شان مشروعیت دینی ببخشند. این مشروعیت‌بخشی به حکومت از راه‌های دیگری هم صورت می‌گرفت مثل پروردن مجموعه روایات و سنت‌های تاریخی درباره زندگی پیامبر و امت آغازین او یا برپا کردن بناهای عظیم در مکان‌های مهم مذهبی، مثل قبة الصخره که عبدالملک بر فراز کوه معبد در اورشلیم ساخت. اما آن‌ها در فرآیند بازتعریف خودشان به این روش، از این هم فراتر رفتند: تقریباً همه شواهدی را که نشان می‌داد جنبش ایجادشده از سوی محمد همان جنبش مؤمنان به معنایی بازتر از اسلام دوره بعدی است نابود و سرکوب کردند یا به نحوی تفسیر کردند که بی‌معنا شد. درحالی‌که جنبش مؤمنان همکاری و تعامل نزدیکی با موحدان پارسای غیرقرآنی به‌ویژه مسیحیان و یهودیان داشت، اسلام منحصراً بر محمد و قرآن متمرکز بود. در حقیقت با این فرآیند جامعه‌ای که پیامبر تشکیل داده بود، پله‌پله از امت مؤمن به امت مسلم تبدیل شد.

فرآیند قرآنی‌سازی در زمان بنی‌امیه شروع شد اما پس از آنان هم ادامه داشت. نتیجه این شد که بسیاری از گفتمان‌های کلاسیک اسلامی درباره خاستگاه‌های اسلام در پوششی از کلمات قرآن پنهان شده‌اند و این امر واقعیت‌ها را درباره نهضت آغازین مؤمنان غالباً مبهم می‌کند. برای دیدن آنچه در پس این حجاب نهفته است، باید با کوشش بسیار جهت یافتن شواهد مستند بیشتر تلاش کنیم؛ این کوشش‌ها ممکن است به ما بگویند پیش از آنکه قرآنی‌سازی رخ دهد، همه چیز چگونه به نظر می‌رسید.

